

خلاصه بحث

برای وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت به ادله ای تمسک شده است که یکی از آنها آیه شریفه است. به نظر ما این آیه شریفه به ضمیمه ادله نماز ظهر، و بر اساس قاعده اصولیه و ضمیمه کردن اجماع و نصوص خاص، چنین نتیجه می دهد که نماز جمعه واجب تخیری و افضل از نماز ظهر است.

ادله قول به وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت

۱- آیه شریفه

اولین دلیلی که برای وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت به آن تمسک شده است آیه شریفه است. خداوند متعال فرموده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ)^۱

در این آیه به نماز جمعه امر شده است و اطلاق صیغه امر، اقتضای عینیت و تعیینیت دارد. بنابراین اصل اینکه نماز جمعه وجوب تعیینی دارد را می توان با این آیه ثابت کرد، منتهی برای اینکه این وجوب تعیینی را برای عصر غیبت ثابت کنیم نیاز به اطلاق ازمانی داریم.

اطلاق ازمانی را با دو تقریب می توان ثابت کرد:

تقریب اول: مقتضای قاعده

خطابات شرعیه در آیات و روایات که احکام شرعی را بیان کرده اند از باب خطابات قانونیه هستند.

^۱سوره جمعه، آیه ۹.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۴

مراد از خطابات قانونیه، قضایای کلیه حقیقیه هستند که موضوع در آنها فرض شده است و هرگاه موضوعشان محقق بشود حکمشان نیز می آید. بنابراین اختصاص به یک زمان خاص ندارند و تا روز قیامت هرگاه که موضوعشان محقق بشود آن حکم هم خواهد آمد.

خطاب مربوط به نماز جمعه در این آیه شریفه هم مثل سایر خطابات شرعیه، از قبیل خطابات قانونیه است، به این معنا که تا روز قیامت و تا وقتی که انسانی روی زمین وجود داشته باشد هنگامی که ظهر جمعه بشود، وجوب نماز جمعه تشریع شده است و اختصاص به زمان خاصی ندارد.

تقریب دوم: استدلال به نصوص

نصوصی را در بدایع البحوث آورده ایم که فوق حد استفاضه هستند و دلالت بر این مطلب دارند که احکام شرعی اختصاص به زمانی خاص ندارند و تا قیامت جاری هستند.

یکی از تعبیری که در این روایات آمده است این است:

«حَالَالٌ مُّحَمَّدٍ حَالَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۲

تعبیر «حلال» که در این روایت آمده است، اباحه به معنای اعم است که با وجوب و استحباب نیز سازگار است، یعنی هر چیزی که مشروع است و تشریع به آن تعلق گرفته است، تا روز قیامت مشروع خواهد بود.

البته برخی از احکام از همان ابتدا به صورتی تشریع شده اند که مرور زمان در آنها تاثیر دارد که در جای خودش پیرامون این احکام نیز سخن گفته ایم.

غرض اینکه اطلاق صیغه امر، اقتضای عینیت و تعینیت دارد، و اطلاق ازمانی را نیز با دو تقریب ثابت کردیم و نتیجه این می شود که نماز جمعه در عصر غیبت نیز واجب تعیینی خواهد بود.

الکافی - ط الاسلامیه، الشیخ الكلینی، ج ۱، ص ۲۰۸

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۴

اما در مقابل هم یک اطلاق دیگری داریم که با این اطلاق معارضه می کند، و آن اطلاق، این است که به نص کتاب و روایات متظافر ثابت شده است و از ضروریات دین است که هنگام ظهر، نماز ظهر واجب می شود، و این اوامر اطلاق دارند و شامل ظهر جمعه و سایر ایام هفته می شوند. و این امر به نماز ظهر نیز مانند امر به نماز جمعه اقتضای عینیت و تعینیت دارد و اطلاق ازمانی نیز دارد و تا روز قیامت را شامل می شود.

با این حساب، وقتی که ظهر روز جمعه می شود دو طایفه از نصوص با یکدیگر تعارض می کنند، که یک طایفه، نماز جمعه را واجب تعیینی می داند و طایفه دیگر به نماز ظهر به صورت تعیینی امر می کند.

ممکن است کسی بگوید که اینجا اصلاً از قبیل تعارض نیست، چون دو دلیل داریم که هر کدام مضمون مجزایی دارند که یکی از آنها نماز ظهر را واجب می داند و دیگری هم نماز جمعه را واجب می داند، و یکدیگر را نفی نمی کنند، بنابراین باید هر دو نماز خوانده شود!

تعارض بین دو دلیل در جایی است که یک موضوع مشخص داشته باشیم که یک دلیل، حکمی را برای آن موضوع ثابت بداند، ولی دلیل دیگر، آن حکم را نفی کرده و حکم دیگری را ثابت کند، که در چنین صورتی تعارض پیش می آید، ولی در جایی که دو موضوع داشته باشیم که هر کدام حکمی دارند دیگر تعارض معنا ندارد.

این اشکالی است که ممکن است کسی مطرح کند. ولی این اشکال صحیح نیست و دفع می شود، چون ما می دانیم و قرینه قطعیه داریم و ضرورت دین قائم است بر اینکه دو نماز فریضه در یک زمان بر مکلف واجب نمی شود، بنابراین آنچه در ظهر روز جمعه واجب است یا نماز ظهر است و یا نماز جمعه. بنابراین تعارض بدوی بین نماز ظهر و نماز جمعه وجود دارد.

حالا در همین جا اولین چیزی که به ذهن انسان می رسد این است که این تعارض، مستقر نیست، چون این دو دلیل و دو طایفه، عام و خاص، یا مطلق و مقید هستند، بنابراین باید قائل به تقیید یا تخصیص بشویم.

ادله نماز ظهر عام و مطلق هستند و اختصاص به روز خاصی ندارند و شامل همه روزهای هفته می شوند، ولی ادله نماز جمعه اختصاص به ظهر جمعه دارند، بنابراین باید با ادله نماز جمعه، ادله نماز ظهر را تخصیص و تقیید زد، که در این صورت نتیجه چنین خواهد شد که در سایر روزهای هفته غیر از جمعه، نماز ظهر واجب است، ولی در روز جمعه فقط نماز جمعه واجب و مشروع است و نماز ظهر مشروع نخواهد بود.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۴

ولی به نظر ما این مطلب درست نیست، چون در جای خودش در علم اصول بیان کرده ایم که این سخن در جایی صحیح است که مخصص یا مقید، حکمی منافی و مضاد با عام یا مطلق داشته باشد، به این صورت که مثلاً یکی از آنها دلالت بر وجوب، و دیگری دلالت بر نفی وجوب داشته باشد، منتهی در جایی که مطلق و مقید هر دو مثبت باشند، در چنین جایی مقید را حمل بر فرد افضل می کنیم و با چنین قیدی، مطلق را تقیید نمی زنیم. مثلاً اگر مولا در یک جمله گفته است: «اعتق رقبة» و در جمله دیگر گفته است: «اعتق رقبة مؤمنة»، در چنین جایی با این قید «مؤمنة» نمی توانیم جمله اول را تقیید بزنیم، بلکه باید قائل به این بشویم که عتق رقبة غیر مومنه نیز مجزی است، ولی عتق رقبة مومنه فضیلت بیشتری دارد.

با این حساب در اینجا هم به نظر ما باید بگوییم که در ظهر جمعه می توان نماز ظهر را خواند، ولی خواندن نماز جمعه فضیلت بیشتری دارد.

بنابراین مقتضای قاعده اصولی و با قطع نظر از اجماع و نصوص خاصه این است که مکلف در ظهر جمعه مخیر است که نماز جمعه یا نماز ظهر را بخواند ولی خواندن نماز جمعه فضیلت بیشتری دارد.

علاوه بر این، دو اجماع هم در اینجا داریم.

اجماع اول: نماز جمعه در عصر حضور معصومین علیهم السلام وجوب تعیینی دارد، ولی در عصر غیبت اختلاف وجود دارد و اجماعی بر وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت نداریم. بنابراین نماز جمعه در عصر غیبت وجوب تعیینی ندارد.

اجماع دوم: نماز مستحب هرگز نمی تواند مجزی از نماز واجب باشد. بنابراین معنای مستحب بودن و افضل بودن نماز جمعه، نمی تواند این باشد که نماز جمعه مستحب فی حد نفسه باشد، بلکه باید بگوییم که واجب تخییری است، ولی نسبت به نماز ظهر فضیلت بیشتری دارد.

علاوه بر این، نصوص خاصه هم داریم که وجوب تعیینی نماز جمعه در عصر غیبت را نفی می کنند، و جواز آنرا ثابت می کنند، که این جواز هم اباحه به معنای اخص نیست، بلکه همان واجب تخییری است.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۴

با این بیان معلوم شد که به نظر ما از آیه شریفه و ادله نماز ظهر، به ضمیمه اجماع و نصوص و همچنین بر اساس قاعده اصولیه اینگونه استفاده می شود که نماز جمعه در عصر غیبت، واجب تخییری است، با این توضیح که نماز جمعه نسبت به نماز ظهر فضیلت بیشتری دارد.